

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

ع. مؤمن زاده – کابل

۱۰ اگست ۲۰۱۲

به سلسله تحریری این قلم و آقای درویش کابلی

به جواب نوشته نشر شده مؤرخ منتشره هشتم اگست شان :

آقای محترم درویش کابلی! خوشنودم از این که نگارش بنده را به غور مطالعه فرموده و درباره آن نظری نسبتاً موافق ابراز داشته اید. در پراگراف اول مضمون تان طوری که نوشته اید :

« حقیقت امر این است که به مراتب به اثبات رسیده که چه در گذشته و چه در حال اکثر فجایع توسط یک تعداد مولوی و ملا و غیره صورت گرفته که باعث بدنامی دیگران و حتی علمای دین می گردد. »

من گفته تان را تأیید می کنم و چنانچه نوشته اید، آنچه اینان مرتکب شده اند و یا مرتکب می شوند از نوع گناهان بسیار بزرگ، سنگین و عمیق است که دیگران جرأت ارتکاب آن را ندارند.

گناه باده پرستان به توبه نزدیک است

خدا نجات دهد از گناه هشیاران

این هوشیاران و صدرنشینان، واعظان و نصیحتگران اعمال قبیح شان آنقدر برجسته و تعجب برانگیز است که زبانزد خاص و عام گردیده و از سالیان دراز دهن به دهن گشته و در جمله سخنان معروف شامل گردیده؛ مثلاً ملا و اینقدر طالع، لاحول بالله سرخ، از بیجائی سر به سرافتاده ایم، این را که اینجا مانده و ده های دیگر که عفت قلم اجازه نمی دهد که یکایک و بی پرده بیان شود. این گفته ها که از سالیان دراز دهن به دهن شنیده شده و بنابر قول معروف "تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیزها" مصداق بر این است که این طائفه با آن که لاف دین و تقوا می زنند و با عبا و قباء و ریش و ظاهر سازیها خود را پیشرو جوامع می شمارند در بعضی حالات نفس و شیطان آنقدر بر ایشان مسلط می شود و عملی را انجام می دهند که حیوان از آن ننگ دارد. عمل لواطت را که مولوی سید احمد، ملای مسجد، در شب اول ماه رمضان بالای یک شاگرد مدرسه انجام داده، می توان به آن شاهکار جنایت نام گذاشت. زیرا رذالت، خبثت، و وحشت از این بالاتر حد و اندازه ندارد و قضیه بیشتر تعجب آور می شود که تا اکنون که ۲۱ رمضان است و از آن مدت ۲۱ روز می گذرد، هیچ خبری از دستگیری، محاکمه و مجازات مولوی صاحب به نشر نرسیده؛ و بعداً نیز نخواهد رسید. زیرا طوری که خودت نوشته ای اینها خود را خواهرزاده های

خدا و هم نماینده های خدا در روی زمین می دانند. بناءً قاضی که خودش نیز از همین قماش است هیچ گاهی علیه او حکمی صادر نمی کند. در حالی که پرویز کامبخش، ژورنالیست جوان، به جرم این که مقاله ای را شخص دیگری درباره جایگاه زن در اسلام نوشته بود از سایت انترنیتی کشیده و به دیگران غرض مطالعه داده بود، به آن جنبه دینی و مذهبی داده نامیره دستگیر و در ظرف یک هفته محاکمه شد و قاضی ابتدائی و لایت بلخ بدون دلائل موجه حکم اعدام او را صادر کرد. همچنان غوث زلمی ژورنالیست سابقه دار و پرکار دیگر به جرم انتشار قرآن بدون متن عربی از سوی یک محکمه در کابل به مدت ۲۰ سال زندان محکوم شد. اما مولوی سید احمد را شاید تاکنون کسی نگفته باشد که از اینجا بخیز و آنجا بنشین، زیرا او مولوی است و عبا و قبا دارد. همچنان چندی قبل ملا صاحب دیگری آنهم در ولایت بلخ بالای منبر موعظه برآمد و فرمود که " شخصی (البته از صحابه) فضله حضرت محمد را خورد. حضرت به آن واقف شد و فرمود تا زنده است گرسنه نمی شود." این ملای جاهل نادان که از فرط جهالت یا خودش این گفته را جعل کرده و یا از کدام جاهل دیگری مثل خودش شنیده، با این موعظه خود تصور کرده که شأن حضرت پیغمبر و اخلاص و دینداری آن صحابه "گوهور" را بالا می برد، حال آن که افترائی است که به هر دو نموده و حتی سبب تحقیر مسلمانی و اسلامیت گردیده. مدتها می گذرد و تاکنون از محاکمه و یا مجازات او چیزی بگوش نرسیده و این نشان می دهد که همگان مصونیت او را پذیرفته اند. اما ژورنالیستان و روشنفکران به جرمی که نکرده اند، محاکمه گردیده و به شدیدترین مجازات محکوم می شوند. چرا؟ برای این که ژورنالیستان اعمال ناجائز شان را فاش و برملا می سازند.

آقای درویش عزیز!

جامعه ما در چندین چنگال گرفتار و تحت فشار است: چنگال دکانداران دین، چنگال خودپرستان، چنگال مردسالاری و زن ستیزان، و چنگال کهنه پرستان و صدها ناهنجار دیگر، که از جمله دکانداران دین در صدر و اول قرار دارند. اینها با تظاهر به دین داری با عبا و قبا و محاسن و تسبیح خود را نسبت به دیگر اقدار جامعه بالاتر و والاتر می پندارند و دیگران را به نظر پست و محقر نگاه می کنند. به عبادت ربائی که می کنند به هر قضیه و واقع، جنبه مذهبی می دهند و خود را نماینده خدا و پیغمبر حساب می کنند. وقتی رژیم دولتی اسلامی اعلان می شود اینها دست بالا دارند. هر ظلم، ستم، بیعدالتی، زرانوژی و فجائع که کرده اند و در حال حاضر می کنند اختیار دارند دولت و قدرت به دست خود شان است.

برای این که دیگران هم در جامعه و دولت جایی داشته باشند و شریک شده بتوانند، باید دولت و حکومت از دین و دین از دولت و حکومت جدا باشد، تا حق دیگران تلف نگردد و دست این ظالمان هم کوتاه باشد. در ۱۵ قرن قبل که اسلام ظهور کرد، آنوقت به نسبت این که در اول مرحله اسلام در اقلیت و ضعیف بود و دشمنان قوی در مقابل داشت، ایجاب می کرد که دین و قدرت باهم باشند؛ یعنی باید مسلمانان مقتدر باشند تا توسط دشمنان از بین نروند. با آنهم عالی ترین دموکراسی در صدر اسلام موجود بود اما امروز شرائط و حالات آنروز وجود ندارد و دولت ها در کوشش رفاه عمومی و اجتماعی اند و ادیان و مذاهب نیز آزادی خود را دارند. پس باید دین که ارتباط خاص و مستقیم مخلوق با خالق است، جدا و آزاد باشد و دولت که وظیفه سیاست و پالیسی را به دوش دارد، راه خود را داشته باشد. کسانی که به این نظر موافق نیستند و می گویند باید قدرت و سیاست مربوط به دین و مذهب باشد. پس بیایند دولتداری و دموکراسی صدر اسلام را زنده کنند. زیرا مسلمانی آن روز چیز دیگری بود و مسلمانی امروز چیز دیگری. آیا می توانند حامد کرزی را با حضرت عمر و یا دیگر خلفاء مقایسه کنند؟ پس بهتر است ملاها و چلی ها را روانه مساجد بکنند و دیگر مردم را بگذارند که پنج وقت نماز خود را بخوانند و به کار و بار خود مصروف

باشند، شاید دیموکراسی وارداتی که امروز هنگامه برپا کرده و آوازه آن گوش ها را کر کرده برای نسل های آینده تحقق پیدا کند و مردم نفس راحت کشیده بتواند.

باری از عطاء محمد نور والی کل اختیار ولایت بلخ تقاضاء می رود تا معلومات دهند که با آن ملای گوهخور که گوه خوری را به یکی از صحابه اتهام بسته و از قضیه مدتی میگذرد چه کرده است؟ آیا مانند قضیه پرویز کام بخش به محکمه ارجاع شده است و یا خیر؟ ثانیاً از والی ولایت سمنگان پرسیده می شود که جناب شان در باره جرم مشهود مولوی سید احمد لواطت کار چه اقدامی کرده اند؟ لطفاً معلوماتی به غرض اطلاع عموم ارائه بفرمایند. انتظارها این است که هردو ملا صاحبان توسط موظفین دستگیر و مثل پرویز کامبخش و غوث زلمی محبوس و محاکمه شوند و نتیجه به زودترین فرصت در رسانه ها غرض آگاهی عموم نشر گردد.